

Investigating the qualities and virtues of the great divine prophets and Hazrat Ali and their impact on spiritual health

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Zeinab Bakshian
Hossein Hajizadeh *
Zhila Serati
Hosseingholi Sayadi

How to cite this article

Zeinab Bakshian, Hossein Hajizadeh, Zhila Serati, Hosseingholi Sayadi, Investigating the qualities and virtues of the great divine prophets and Hazrat Ali and their impact on spiritual health, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(3): 90-106.

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Shabestar branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

* Correspondence:

Email: hajizadeh@iaushab.ac.ir

ABSTRACT

In an age where moral and social diversity is seen more than ever before and people face many challenges and daily stresses, spiritual health is suggested to the audience as an essential factor in maintaining balance and peace of mind. The moral virtues of the Prophet of Islam, Prophet Muhammad (pbuh), and Imam Ali (pbuh), not only in his time, but also in all periods of Islamic history, were recognized as clear and valuable guidelines for improving and strengthening the spiritual health of Islamic cultures and societies. have become. This article has analyzed the moral principles, behaviors, and decisions of those two dear ones with the aim of investigating the effect of the moral virtues and virtues of the Prophet of Islam and Imam Ali on spiritual health. In this regard, he first examined the concepts of ethics and spiritual health, and then, referring to historical and religious sources, concepts such as honesty, forgiveness, justice, humility, etc., which played key roles in the lives of those two leaders, were analyzed. Placed. In this way, the importance of observing these moral principles and their effect on the spiritual health of individuals and societies are examined and promoted, and finally, the exemplary role of these two great Islamic figures in improving the quality of human spiritual life is expressed. By adopting an analytical and comparative approach, this article tries to lead to results that provide a better understanding of the relationship between Islamic ethics, the titles of the Prophet and Imam Ali, and spiritual health. Most of the poets and writers have tried together to praise the Prophet's family by mixing their emotions and feelings and to present valuable works to the sacred space of the imams and their ultimate effort was to express their inner love in the form of present pure poems and words to the listeners, therefore, we can claim that the love and affection for these elders in our literature has a very ancient history and because these words arose from the depths of the hearts of loving people, they have an effect on the soul and psyche of the reader. It goes deep. Shahriar's poems are sometimes a bright and shining manifestation of the presence of religious greats such as great divine prophets and infallible imams (pbuh), and these themes play an essential role in the creation of the master's poems. Shahryar was a poet who loved his profession, whose poetry and words were a full-faced manifestation of the purity and purity of his existence and the true crystallization of his pure feelings. Check separately.

Keywords: Shahriar, spiritual health, Prophet and Hazrat Ali (AS).

بررسی مناقب و محاسن پیامبران بزرگ الهی

و حضرت علی (ع) و تاثیر آن بر سلامت معنوی

زینب بخشیمان

دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

حسین حاجی زاده*

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

ژایلا صراطی

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

حسینقلی صیادی

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

چکیده

در عصری که تنوع اخلاقی و اجتماعی بیش از پیش دیده می‌شود و انسان‌ها با فراوانی چالش‌ها و استرس‌های روزمره روبرو هستند، سلامت معنوی به عنوان یک عامل اساسی در حفظ تعادل و آرامش روحی افراد به مخاطبان پیشنهاد می‌شود. مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، و امام علی (ع)، نه تنها در دوران خود، بلکه در تمام طوایف تاریخ اسلامی، به عنوان رهنمودهایی شفاف و ارزشمند برای بهبود و تقویت سلامت معنوی فرهنگ‌ها و جوامع اسلامی شناخته شده‌اند. این مقاله با هدف بررسی تاثیر مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر اسلام و امام علی بر سلامت معنوی، به تجزیه و تحلیل اصول اخلاقی، رفتارها، و تصمیم‌گیری‌های آن دو عزیز پرداخته است. در این راستا، ابتدا به بررسی مفاهیم اخلاق و سلامت معنوی پرداخته و سپس با استناد به منابع تاریخی و دینی، مفاهیمی همچون صداقت، بخشش، عدالت، تواضع و... که در زندگی آن دو عهده‌دار نقش‌های کلیدی داشته‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. به این ترتیب، اهمیت رعایت این اصول اخلاقی و تاثیر آنها بر سلامت معنوی افراد و جوامع بررسی و ارتقاء یافته و در نهایت، نقش الگویی این دو شخصیت بزرگ اسلامی در ارتقاء کیفیت زندگی روحی انسان‌ها بیان می‌گردد. با اتخاذ رویکردی تحلیلی و مقایسه‌ای، این مقاله تلاش دارد تا به نتایجی منجر شود که درک بهتری از ارتباط میان اخلاقیات اسلامی، مناقب پیامبر و امام علی، و سلامت معنوی را ارائه نماید. اکثر قریب به اتفاق شعرا و نویسندگان کوشیده‌اند تا با به هم در آمیختن عواطف و احساسات خود به مدح و منقبت خاندان نبوی پرداخته و آثار ارزشمندی را به ساحت مقدس ائمه اطهار تقدیم نمایند و نهایت سعیشان این بوده

است که عشق درونی خویش را در قالب اشعار و الفاظ ناب به شنوندگان عرضه نمایند، بنابراین می‌توانیم ادعا کنیم که عشق و محبت به این بزرگان در ادبیات ما پیشینه‌ای بسیار کهن دارد و چون این الفاظ از ژرفای درون و باطن انسان‌های عاشق برخاسته است، بر روح و روان خواننده تاثیر ژرف می‌گذارد. اشعار شهریار جلوه‌گاه پرنور و درخشان حضور بزرگان دینی چون، پیامبران بزرگ الهی و ائمه معصومین (ع)، می‌باشد و این مضامین نقش اساسی در آفرینش اشعار استاد را بر عهده دارند. شهریار شاعری عاشق پیشه بود که شعر و سخنش جلوه‌ای تمام نما از پاکی و ستر دگی وجود و تبلور حقیقی احساس نابخشود. در این مقاله بر آن شدیم تا در دیوان وزین شهریار، ابیاتی که در مورد پیامبر امیرمؤمنان علی (ع) سروده شده را به صورت جداگانه بررسی نماییم.

کلمات کلیدی: شهریار، سلامت معنوی، پیامبر و حضرت علی (ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴

*نویسنده مسئول: hajjzadeh@iaushab.ac.ir

مقدمه

در صفحات تاریخی ادبیات فارسی، اشعار استاد شهریار همچون نگاره‌هایی از دوران‌های بلند و شکوه‌آفرین، عشق و عرفان به چشم می‌خورد. این اشعار، نه تنها به زیبایی‌ها و غزلیات خود اکتفا نمی‌کنند، بلکه از پنجه‌هایی نیز برخاسته‌اند که در پیش بردن مفاهیم عمیق دینی و اخلاقی نقش آفرینی می‌کنند. در این مقاله، با تکیه بر اشعار استاد شهریار، نیاز به تجدید نظر در تاثیر مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر اسلام و حضرت علی بر سلامت معنوی انسان‌ها را احساس می‌کنیم.

اشعار این استاد بزرگ، همچون بسترهایی پویا، ما را به دوران‌هایی می‌برند که اخلاقیات و ارزش‌های اسلامی به عنوان یک ستون اصلی در زندگی انسان مطرح بوده‌اند. از شاعری که در اشعار خود از جمال‌ها و محاسن اخلاقی پیامبر و امام علی بهره‌برداری کرده، می‌توانیم بیاموزیم که چگونه این دو شخصیت مهم در تقویت و ارتقاء سلامت معنوی ما تاثیرگذار بوده‌اند. اشعار او مانند آینه‌ای نمایانگر نقاط مشترک و مفاهیم اسلامی و اخلاقی است که از آن جا، این مقاله به تجزیه و تحلیل این تاثیرگذاری‌ها می‌پردازد. در ادامه، با استناد به اشعار استاد شهریار، تلاش خواهیم کرد تا پرده‌هایی از نقاط ارتباطی بین مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر و حضرت علی و سلامت معنوی را برداریم و تاثیر آنها در فرهنگ و روحیه افراد را به نمایش بگذاریم.

در دوره معاصر محمدحسین شهریار از جمله شاعرانی است که به مدح و مدیحه‌سرایی پرداخته است. شهریار با وجود جریانات سیاسی و ادبی مختلف، در شعر دینی خود شگردی مذهبی دارد و

در شعر خود مبارزان دینی و رهبران مذهبی را الگوی انسان‌ها برای رسیدن به آرمان‌های موردنظر قرار می‌دهد. از این رو ارزش‌مندترین مدحیات او مربوط به بزرگان دین و مناقب آن‌هاست. وی به مدیحه‌سرایی به شیوه سلف درباره ارباب مناصب دنیایی توجه چندانی ندارد. این شاعر برجسته، مدحیات از دل برخاسته‌ی خود را که بیانگر احساس درونی اوست، اغلب در اشعار خود آورده و می‌توان گفت پر شورترین غزلیات شهریار در مدح ائمه و هست که ایشان را در زمره شاعران اهل بیت (ع) اهل بیت قرار داده است.

در این مقاله، به بررسی تأثیر مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر اسلام، محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، و حضرت علی بن ابی‌طالب (علیهماالسلام) بر سلامت معنوی پرداخته می‌شود. اخلاق و رفتارهای ارزشمند این دو شخصیت بزرگ اسلامی، در طول تاریخ باعث تحولات اجتماعی، اخلاقی و معنوی در جوامع مختلف شده است.

این مقاله تلاش می‌کند تا به وسیله‌ی بررسی تأثیر این مناقب و محاسن اخلاقی، ارتباط نزدیکی که بین اخلاق و سلامت معنوی وجود دارد را به تصویر کشیده و نقش آن‌ها در تقویت ابعاد مختلف معنوی زندگی انسان‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این مطالعه، ابتدا به تبیین مفاهیم اخلاق و سلامت معنوی پرداخته و سپس مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر و حضرت علی را از دیدگاه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

سپس، اثرات مثبت این مناقب و محاسن بر سلامت معنوی افراد و جوامع را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به مثال‌های واقعی از تأثیر آن‌ها بر روند زندگی افراد پرداخته و نقش آن در افزایش ایمان، اختلالات روحی-نفسی، ارتباطات انسانی و ایجاد تعادل در زندگی معنوی را بررسی خواهیم کرد. از طرف دیگر، در این مقاله به بررسی انتقادات و چالش‌هایی که به این دیدگاه‌ها مطرح شده است، نیز پرداخته و تلاش خواهیم کرد تا تأثیرات منفی یا محدودکننده‌ای که ممکن است وجود داشته باشد، به‌طور کامل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در نتیجه، این مقاله به دنبال نشان دادن ارتباط نزدیکی بین مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر و حضرت علی با سلامت معنوی افراد و جوامع است و تلاش دارد تا اهمیت تربیت اخلاقی و روحانی در جامعه را برجسته کند.

در این مسیر، نقش آموزه‌های اخلاقی اسلامی که از طریق زندگی پیامبر و حضرت علی منتقل شده‌اند، در ارتقاء انسجام جامعه، انسانیت، وجدان، عدالت، و همدلی به وضوح دیده می‌شود. مناقب پیامبر اسلام به عنوان "رحمت به عالمین" و "خاتم النبیین"، همچنین مناقب حضرت علی به عنوان "وصیت و وارث حکمت" و "باب الحوائج" نشان‌دهنده اهمیت بی‌نظیر اخلاق و معنویت در زندگی انسان‌هاست.

با توجه به تحولات جهان امروز و مواجهه با فشارها و تنش‌های روانی و اجتماعی، نقش مناقب و اخلاقیات پیامبر و حضرت علی به عنوان راهکارهایی برای افزایش سلامت معنوی مخاطبان این اقدس شخصیت‌ها، بسیار مهم و مؤثر است. این آموزه‌ها به عنوان راهنمایی برای ایجاد تعادل در زندگی، تقویت ارتباط با خداوند، و تقویت ارتباطات انسانی در جامعه، مورد تأکید قرار می‌گیرند.

از جمله تأثیرات محوری می‌توان به ایجاد حس امنیت، پابندی به اصول اخلاقی، تقویت ایمان، کاهش اضطراب و افزایش انگیزه ذکر کرد. همچنین، تعالی اخلاقی و معنوی به وسیله‌ی مناقب پیامبر و حضرت علی می‌تواند به تعزیز احترام و محبت نسبت به دیگران، حل تناقضات در جامعه، و توسعه عمیق‌تر انسانیت کمک کند.

در این مسیر، تلاش ما برای درک عمیق‌تر تأثیر مناقب و محاسن اخلاقی پیامبر و حضرت علی بر سلامت معنوی از تحلیل‌های فرهنگی، روانشناختی، و اجتماعی نیز بهره خواهد برد. این تحلیل‌ها به ما کمک می‌کنند تا مفاهیمی چون احترام به دیگران، تسامح، عدالت، و مهربانی که در مناقب این دو پیشوای اسلامی آمده‌اند، را به تازگی‌ها و تعهد عمیق‌تری در زندگی روزمره‌ی ما تجربه کنیم. از منظر روانشناسی، این مقاله به اهمیت ارتباط مثبت بین اخلاقیات و سلامت روحی و روانی اشاره می‌کند. افعال اخلاقی از قبیل کمک به نیازمندان، بخشش، و احترام به همه‌ی افراد، اثرات مثبت بر تقویت تشنجات مثبت و افزایش احساس رضایت داشته و می‌توانند به کاهش افسردگی و اضطراب کمک کنند. همچنین، تطابق با اخلاقیات و محاسن این دو شخصیت باعث تقویت ارتباطات انسانی و خلق یک جامعه‌ی پویا، معنوی و پیوسته می‌شود. از طریق تداوم این ارتباطات مثبت، می‌توان به بهبود روابط خانوادگی، اجتماعی و حتی بین‌المللی کمک کرد.

در زمان‌های کنونی که انسان‌ها در جستجوی تعادل و آرامش در زندگی‌شان هستند، سلامت معنوی به عنوان یک راهکار اساسی برای بهبود کیفیت زندگی و روحیه فردی مورد توجه قرار گرفته است. آیات قرآن کریم نیز به وضوح به اهمیت وجود معنوی و رابطه انسان با آن اشاره می‌کنند. آیه ۲۰۶ سوره البقره آمده است: "وإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ" که به فرمایش خداوند در این آیه، انسان‌ها توصیه می‌شوند که در زمین، خشونت و فساد ایجاد نکنند و به جای آن، به اصول معنوی و ارزش‌های انسانی پایبند باشند. این نکته نشان‌دهنده این است که سلامت معنوی نه تنها به فرد، بلکه به جامعه نیز نفع می‌رساند و به پیشرفت و تعادل اجتماعی کمک می‌کند. همچنین، آیه ۲۸ سوره روم آمده است: "ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" که در این آیه، اشاره به این دارد که فساد و بلایای جامعه نتیجه اعمال و تصمیمات انسانی است. این مفهوم نشان می‌دهد که در راستای دستیابی به

وجود معنادار و ارتباط با ابعاد بی پایان وجود، به عنوان اجزای سلامت معنوی، به مردم کمک می کنند تا به سوی یک حالت تعادل یافته و احساس رضایتمندی از زندگی پیش بروند.

اشعار دینی شهریار نشأت گرفته از مذهب تشیع و ارزشهای فاخر اسلامی بود. وی افکار دینی را با امور جامعه خود تطبیق داده است و دوستدار و محب اهل بیت (ع) بود و آنان را ستایش می کرد و می ستود و با سرودن بیش از بیست غزل و قصیده که شامل حدود هفتصد بیت در مدح اهل بیت (ع) می باشد، در جهان شیع شهرت یافت. از جمله این اشعار می توان به اشعاری در وصف و بیان خصلتها و اخلاق نیکو و پسندیده پیامبران و امامان اشاره نمود که در زیر به بررسی این شخصیت ها می پردازیم:

نبی اکرم (ص)

نخستین و بهترین مخلوق آفرینش، برجسته ترین نمونه انسان کامل، دارای برترین و والاترین رتبه و وجودی در جهان امکان حضرت محمد (ص) است، محمد معین در فرهنگ فارسی در خصوص پیامبر اکرم چنین نوشته:

«أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمِ بْنِ عَبْدِ مَنْفَى مَكِّيٌّ بِهِ أَبُو الْقَاسِمِ، آخِرِينَ فِي بَيْتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي سُلْسَلَةِ نَبِيِّينَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَكْبَرِ» (۱)

در کتاب تاریخ پیامبر اسلام درباره نشانه های تولد وی این چنین آمده: «در هنگام میلاد رسول خدا اتفاقات شگرفی به ظهور رسید از جمله آن ها ایوان کسری لرزید و سیزده یا چهارده کنگره آن فرو ریخت، دریاچه ساوه فرو نشست، آتشکده فارس خاموش و بت ها تخریب گشتند» (۲)

به اعتقاد مسلمانان پیامبر الهی تحویل دهنده قرآن و تجدیدکننده آیین یکتاپرستی است. او همچنین به عنوان یک سیاستمدار، رئیس دولت، بازرگان، نظریه پرداز دینی، خطیب، قانون گذار، اصلاح گر، فرمانده جنگی، برای مسلمانان و پیروان برخی ادیان، مأمور تعلیم فرمان های الهی یا همان خدای مسلمانان به شمار می رود و در بین آنها ملقب به رسول الله است.

نخستین شاعر مسلمانانی که قصایدی در نعت رسول اکرم (ص) سروده است، حسان بن ثابت بود که به شاعر النبی معروف گشته بود و شاعران فارسی زبان که پس از حیات پیامبر زیسته اند تنها بر پایهی خلوص نیت و صفای باطن خود بی آنکه هیچ اجر و مزدی در میان باشد به ستایشگری نعت خواجه کائنات پرداخته و شاهکارهای جاودانه ای ایجاد کرده و چشم داشت معنوی خود را از آن حضرت که همانا شفاعت و دستگیری پیامبر از ایشان باشد را همواره در اشعار خود دانسته اند.

در آثار شاعران فارسی گوی و شعرای متصوف، پیوسته در ابتدای دیوان های خطی با مضامین حماسی، عرفانی، تغزلی و حکایات اخلاقی و در سرآغاز بسیاری از نسخه های منظوم و منثور و مصور

سلامت معنوی، انسان نیازمند توجه به اعمال و رفتارهای خود و تأمل در اثرات آنها در جامعه است.

در مسیر تبیین اهمیت سلامت معنوی و نقش آیات قرآنی در ایجاد این آگاهی، نکاتی جالب و مفهومی می تواند مورد بررسی قرار گیرد. از این جمله می توان به آیه ۱۳۷ سوره النساء اشاره کرد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَّهُمْ يَكُنَّ لِلَّهِ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» که در این آیه، تأکیدی به تکرار فرآیند ایمان و کفر در افراد اشتها دارد و نشان می دهد که انسان نیازمند یافتن راهی استوار برای ترقی معنوی و روحی خود است. این راه معنوی می تواند از طریق تلاش برای فهم عمیق تر مفاهیم دینی و تمرکز بر ارتقاء اخلاق و روحانیت ادامه یابد. آیه ۲۸ سوره الرعد نیز به این مفهوم اشاره دارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» که معنای آن است که در ذکر و یاد خداوند، دلها آرامش و آرامش می یابد. این آیه به عنوان یک نمونه از تأثیر سلامت معنوی بر روحیه و آرامش انسان اشاره دارد و نشان می دهد که ارتباط با بعد معنوی زندگی، به عنوان منبعی برای تسکین و ترقی روحی شناخته می شود.

با توجه به این آیات قرآنی، می توان نتیجه گرفت که سلامت معنوی نه تنها به عنوان یک ابعاد فردی، بلکه به عنوان یک مؤلفه اساسی در بهبود جامعه و اجتماع نیز بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله، به بررسی اهمیت سلامت معنوی در رونق افراد و جامعه، و نقش آیات قرآن در ایجاد این آگاهی و تعادل خواهیم پرداخت.

با توجه به این نکات و آیات قرآنی، مشخص می شود که سلامت معنوی نه تنها به معنای تعالی روحی و روحانیت افراد است، بلکه تأثیرات اجتماعی و جامعه ای نیز دارد. از این رو، در طراحی سیاست ها و برنامه های بهبود جامعه، توجه به تقویت بعد معنوی و ارتقاء ارتباط انسان با دنیای معنوی، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله، نقش آیات قرآنی در ایجاد این نگرش و مفهوم را بررسی خواهیم کرد و به اهمیت سلامت معنوی به عنوان یک عامل کلیدی در سعادت و خوشبختی فردی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

سلامت معنوی یکی از ابعاد کلان سلامت است که به تدریج در دهه های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. از دیدگاه سنتی، سلامت به معنای عدم وجود بیماری و ناتوانی جسمانی است، اما در دیدگاه های نوین، این مفهوم گسترش یافته و به فرآیندهای جسمانی، روانی و اجتماعی برای داشتن یک زندگی بهتر و کامل اشاره می کند. به عبارت دیگر، سلامت معنوی به وضعیت هماهنگی و تعادل بین جوانب مختلف زندگی انسان، از جمله ابعاد روحانی، اخلاقی، اجتماعی و روانشناختی اشاره دارد. در زمان های اخیر، استرس ها و فشارهای روزمره زندگی، افراد را به دنبال جستجوی راهکارهایی برای افزایش کیفیت زندگی و بهبود روحیه خود می کند. به همین دلیل، مفاهیمی همچون تأمل، معنویت،

از قبیل «نگهدار ستون عرش الهی»، «کسی که تنها فرشته عرش (جبرئیل) آشیان وحی الهی به بامش می‌تواند برسد» و معجزه قرآن را «منشوری آسمانی برای نقش مهر نبوت» می‌نامد، چنین داد سخن داده و به امام زمانش هدیه می‌دهد:

ستون عرش خدا قائم از قیام بین که سر به کجا می‌کشد
 محمد مقام محمد
 به جز فرشته عرش آشیان پرده پر نتواند زدن به بام
 وحی الهی محمد
 به کارنامه منشور آسمانی که نقش مهر نبوت بود به نام
 قرآن محمد
 سوار رفرع معراج درنوّشت سرود صف به صف قدسیان
 سماوات سلام محمد

(۴)

یکی از شگفت‌انگیزترین و زیباترین صحنه‌های زندگی پیامبر معراج وی هست که در سوره اسراء، سوره تکویر و سوره نجم به صراحت در آن یاد شده است. احادیث متواتری هم از سوی علمای فریقین در کتب کلام و حدیث و تفاسیر قرآن مجید روایت شده است و دو دسته هم از منابع اصل رویداد بطور اجماع متفق القول هستند. خلاصه مفسران درباره معراج اینست که پیامبر (ص) توسط جبرئیل بر براق از مسجدالحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) رفته و از آنجا به سیر در آسمانها کشیده می‌شود که در این مسیر آسمانی، جبرئیل تا آسمان هفتم همراه پیامبر بوده ولی از این به بعد اجازه حضور راندارد آنگاه پیامبر به تنهایی از سدره المنتهی گذشته و به مقام قرب الهی داخل می‌شود. این بیت اشاره به معراج پیامبر (ص) دارد که در مرحله پنجم بر مرکب سبز رنگ رفرع سوار می‌شود. که از سدره المنتهی تا قاب قوسین می‌رود که چه بسا سوار شدن پیامبر بر این مرکب به خاطر عظمت و کرامت وی هست. رفرع در قرآن چنین آمده: «مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ: بر بالش‌های سبز و فرش‌های زیبا تکیه می‌زنند.» (الرحمن/۷۶)

و پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «سپس مرا تا زیر عرش بالا بردند و سپس رفرع سبز رنگ به من نزدیک شد و رفرع به اذن خدا مرا بسوی پروردگارم بالا برد تا اینکه نزدیک خدا شدم.»

(۵)

که عرش و فرش به هم دوخت زیر گام محمد
 خدای را چه نفوذیست در کلام محمد
 که جلوهٔ ابدیت بود به جام محمد

یکی از آثار شب معراج، شفاعت گناهان امت اسلام توسط نبی اکرم (ص) می‌باشد هم چنان که از حضرت مصطفی نقل است در شب معراج خطاب به باری تعالی فرموده‌اند: «بار خدایا شمار امت در قیامت سوی من کن. خدا گفت: چرا؟ گفتم تا تشویر در من

شاعران مدح و ستایش خداوند و نعت محمد و معراج او ضمن برشمردن فضائل و معجزات او ملاحظه می‌شود و چنانکه از مستندات تاریخی معلوم است، شهریار شعر پارسی با جزء جزء مقامات طریق و سیر و سلوک عرفانی آشنا بوده است. بنا به روایت دقیق «کتاب به همین سادگی و زیبایی» زمانی که شهریار در تهران اقامت داشت از سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ در مجالس احضار ارواح که توسط مرحوم دکتر ثقفی تشکیل می‌شد، شرکت می‌کرد و بنا به نقل آن کتاب از جراید آن روزگار، کشفیات وی در آن مجالس نقل خاص و عام بوده است و همین مجالس مقدمه‌ای می‌شود برای ورود وی به جرگه اهل فقر و درویشی، در کتاب مذکور می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۹ داخل جرگه فقر و درویشی می‌شود و سیر و سلوک این مرحله را به سرعت طی می‌کند و در این طریق به قدری پیش می‌رود که برحسب دستور پیر مرشد قرار شد خرقه بگیرد و جانشین پیر شود.» (۳)

همه عرفا و به تبع آنها شهریار ملک سخن که با دقایق و ظرایف سیر و سلوک به خوبی آشنا بوده و ارادت خاص و ویژه‌ای به خاتم انبیا، محمد مصطفی (ص) داشته و نگاه آنان به پیامبر خاتم و کاری که وی در میان نسل بشریت انجام داد، برای ایشان الگو و سرمشق برای دین و دنیاشان می‌باشد.

نبی اکرم (ص) در نزد شهریار در صدر جامعهٔ مسلمانان قرار دارد که به یاری امام علی (ع) و سایر صحابه امور مختلف اسلام و مسلمین را بر عهده دارد. شهریار در اشعار خود با استفاده از بیان‌های شاعرانه، تلمیحات و اشارات تاریخی و رخدادهای سیاسی و مذهبی نبی اکرم (ص) ضمن زنده کردن حال و هوای صدر اسلام، یادآوری معراج، نبردها و غزوات، به طور عاشقانه و نوستالژیک، با آن پیامبر راستین و انسان کامل تجدید بیعت می‌کند. همچنین شهریار با داخل کردن سخنان پیامبر اکرم (ص)، بر کوشش‌ها، رشادت‌ها و تلاش‌های یاران گرامی ایشان نظیر علی (ع)، سلمان فارسی، بلال حبشی در جهت تداوم و پیشبرد اهداف دین اسلام صحنه می‌گذارد. شهریار ضمن ذکر وقایع تاریخی و اثرگذاری مثبت بر عقول بشری، با استفاده از تمهیدات زبانی و هنری و استفاده از تصاویر شاعرانه و ابهام آمیز، بر احساسات و عواطف مخاطبان و خوانندگان تأثیرگذار باشد و آنان را در پیروی از آن انسان‌های والا مقام تشویق و ترغیب نماید.

لذا بگشایین خورشید خیز ایصفان میان رود گویا خشته باور از چیلان معکول می‌یود
 نسلخن به هفلم پیلبجبالم (زن) مکتوان کدیور و طای دق مژوروی صلیبن
 خدا خولار صبح قیلم پتانه نیران دطونسی، نوشینی و حضرت محمدرا که
 دین اسلام برترین دین بر می‌شمارد، عمق تعلقات دینی و توجهات مذهبی خانواده و نیز شخصی استاد به حدی است که عشق به ائمه اطهار (ع) در بسیاری از اشعارش عیناً هویدا است و جالب اینکه این ارادت را به شکلی زیبا در همان آغازین بخش از دیوان وی بعد از مناجات در شعری زیبا با عنوان «قیام محمد» در نعت پیامبر می‌توان به نظاره نشست، آنجا که شهریار از خاتم انبیا با عناوینی

(ع) بر اساس شواهدی که از مثنوی‌های شعر فارسی از سنایی تا شیخ محمود شبستری اذعان داشته اند شامل حال نبی اکرم (ص) هم بوده است و هم برخلاف میل مخالفان دجال صفت، که حیوانات وحشی و پرندگان به خواست حضرت محمد (ص) هم رام می‌شوند.

خدا به جلوه کند نور خود تمام محمد (ص)

به قهر صاعقه شمشیر انتقام محمد (ص)

کنون به قامت قائم بین قوام محمد (ص)

مگر خدا دو جهان را کند به کام محمد (ص)

در این بیت رستگاری آدمیان در دو جهان را در گرو رضایت حضرت محمد (ص) از اهل عالم می‌داند.

غزل «تجلیل» را که استاد شهریار در روز تجلیل وی بع از بازگشتن به تبریز سروده که در اصل شکوایه‌ای شاعرانه است و مجالی کوتاه برای ابراز همدردی شهریار با پیامبر خاتم (ص) و مصایبی که بر وی گذشت می‌باشد:

تا به کدام تجزیه تحلیل می‌کنند

کاکنونش از مجادله تکمیل می‌کنند

امروز نیز مورچه را پیل می‌کنند

و این ابیات یاد آور ماجرای اصحاب فیل است که در درباره‌اش چنین آمده است:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلُّلٍ
وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ؛ آیا ندیدی
پروردگارت با فیل سواران (لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه
آمده بودند) چه کرد؟! آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار
نداد؟ و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد. که با
سنگ‌های کوچکی آنان را هدف قرار می‌دادند.» (فیل/۴-۱)

شهریار با اشاره‌ای تاریخی به اصحاب فیل و حادثه طس و شکست خفت بار متجاوزان و تبلور قدرت الهی و همسانی آن با شکست سپاه ابرهه با دستور الهی پرندگان آسمان، به شکلی غیرمستقیم و تلمیح‌گونه، این چنین یادی از مصائب نبی اکرم (ص) در آن حوادث می‌کند:

اصحاب فیل دیده و سجیل پروای طور و طیر ابابیل

در طس می‌کنند

با آدم ابولبشر انگار در عز ملک، عزای عزازیل

سجود می‌کنند

(۷)

و باز در غزل «جلوه جاودانی» که استقبالی است از غزل خواجه شیراز با مطلع:

دوش می‌آمد و رخساره تا کجا باز دل غمزده ای

بر افروخته بود بر افروخته بود (۸)

خورند نه در تو، جواب آمده که با محمد هر چند رسول کریمی و رئوف و رحیمی نه الرحم الراحمینی، گر گناهان امت را در قامت ببینی از ایشان تبرا کنی. آن به که بر گناهان ایشان من مطلع باشم و بس زیر که رحمت من است که گناهان ایشان را فرا رسد و بس.

هیکن و چون تجلیل‌ها خدا می‌خوانی هم‌تون لولز این و و ادبیه نضمیلمی قکنهم احو قولاً و کفلاً لئلا یظنوا انهم یسئلونهم عن علمهم، اشفاعت از تو کترحمیتده بلو هو الفکار کتلعلین دلیمت انو تملین تسلامت تو و رحمت من آمرزیده بگرکم لئ نکره مر تلوه کفیلن دیا و بیجهان مرکه هفت کرامت به جای تو و امت تو بکردم که هرگز به هیچ پیامبری نکردم.» (۶)

شهریار هم حضرت محمد (ص) را شفیع الامم و شفاعتش را از تمامی امت‌ها که نشانه سخاوت و کرامت محمد (ص) است می‌داند:

به شاهراه هدایت گشود باب صلاي خوان کرم بین و بار عام شفاعت محمد (ص)

و در این بیتو حفصه چته علی (ع) که اتمام کهمستی جلالی هی تنکنوی را غلام محقق می‌دانم مگر مجادله‌های گذشته داشت علی که کیو کو و کزنش غلام مورچکینه کفخو ککنان رگفت مینای حلقه به گوشند بلی همان شه غلام محمد (ص) مگر نه شیر مردان و قرن اول اسلام خدا گشته در کنام محمد (ص)

و خاموشی آتش دوزخ را از برکت شفاعت حضرت محمد (ص) دانسته و می‌گوید:

حریم حرمتش این بس که در بمیرد آتش دوزخ به احترام شفاعت محشر محمد (ص).

شهریار با وعده دادن بهشت و راه رسیدن به آن را زیر سایه حضرت محمد می‌بیند که محمد (ص) واسطه میان امت و جنت است:

گرت هوای بهشت است و بیا به سایه ممدود مستدام حوض کوثر و طوبا محمد (ص)

شهریار گوید: محمد (ص) راحتی دنیا را بر خود حرام کرده تا امتش به عزت در دنیای آخرت برسند و باسرودن این اشعار مهر تائید بر این موضوع می‌زند:

سریر عزت عقبا حلال امت که بود راحت دنیای دون حرام او باد محمد (ص)

اذان صبح عراقش صلاي قتل نوای زینب کبری نماز شام محمد (ص)

پیام پیک الهی چگونه که پنبه کرده به گوش دل از بشنود آن قوم پیام محمد (ص)

به رغم فتنه دجال کور که وحش و طیرشود رام با مرام محمد (ص).

شهریار اشاره می‌کند به کرامات پیامبر می‌کند که این کرامات عبارت است از هم سخنی با حیوانات که علاوه بر حضرت سلیمان

شهریار با ابیاتی سراپا تعظیم در برابر جلال و شکوه نبی اکرم (ص) از شب معراج آن فخر کائنات چنین یاد می‌کند:

ابرو از شعله چون صاعقه
شمشیری بود آفرینش به یکی
زخمه تو سازی شد
عقل را نیز همین جلوه
جاویدانی

عشق بودش به سر این تاج و
به دوش این تشریف
شیهه از مسجد الاقصی زد و
بیت المعمور
او که بیغوله رها کرده به
زاغ و کرکس
خود چنان باخت که یکجا
به خدایی پرداخت
گر چه دل‌های شکسته همه
سرمشق، ولی

(۹)

این بیت اشاره دارد به حدیث: «لَوْ لَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْاَفْلَاكَ» که اگر پیامبر نبود، افلاک خلق نمی‌شدند.

(۱۰)

خداوند در قرآن کریم بطور صریح در آیه اول سوره اسرا به شب معراج پیامبر اشاره می‌کند: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» منزه است آن خدایی که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست» (اسرا/۱)

و نظامی چه زیبا این سفر روحانی خاتم الانبیا رابه تصویر می‌کشد:
رفت بدان راه که همره نبود
هرکه جز او بر در آن راز
ماند

(۱۱)

در شعر «مهمان عرش» علاقه وافر و ذاتی شهریار به نبی اکرم (ص) بیان شده است و با صراحت بیشتری به معراج محمد (ص) اشاره نموده است.

ای طلوع آیت والشمس در
سیمای تو
دعوت معراج و مهمان
عرش کبریا
سوره والطور وصف سینه
سینای تو
بوالعجب تشریف سلطانی
است بر بالای تو زیر پای

وه که در پیچید عرش و
فرش در یک چشمزد
و در ادامه شعر از عجز جبرئیل از همراهی نبی اکرم (ص) در آن شب خاص چنین سخن می‌راند:
شهباز دست غیب
شهبسوار ذی القرن، آن
چون عقابی در رکاب
موکب والای تو.

شهریار با اشاره به این واقعه و با در نظر گرفتن تمام این دیدگاهها و با توجه به اینکه خود شهریار نیز از زمره عرفا می‌باشد به همراهی جبرئیل با پیامبر اشاره کرده و از باز ماندن او از این سفر در آسمان هفتم اشاره می‌کند و به مقام والای نبی اکرم (ص) اشاره کرده که به قرب الهی رسیده است که حتی فرشته قرب خدا (جبرئیل) نیز دیگر اجازه ورود ندارد، این بیت بی‌اختیار هر خواننده شعر و شخص ادب دوستی را به یاد این ابیات فاخر و زیبای مولانا در دفتر چهارم مثنوی می‌اندازد که می‌گوید:

چون گذشت احمد ز
سدره و مرصدش
گفت او را همین بپر اندر
گفت رو رو من حریف تو
بیم
باز گفت او را بیا ای
من باوچ خود نرفتم
پرده‌سوز
گفت بیرون زین حدای
گر ز من پری بسوزد پر من
خوش فر من
(۱۲)

در معراج حضرت محمد (ص) چون به نهایت سیر خود می‌رسد جبرئیل از همراهی با رسول خدا عذر خواهی می‌کند. (۱۳)
در دیباچه بوستان سعدی به این موضوع چنین اشاره شده است:
اگر یک سر موی برتر پر
فروغ تجلی بسوزد پر
(۱۴)

در حقیقت تفسیر و توصیفی شاعرانه از حدیث معراج است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَانْتَهَى إِلَيَّ الْحُجُبَ فَقَالَ جِبْرَائِيلُ تَقَدَّمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ لِي أَنْ أَجُوزَ هَذَا الْمَكَانَ وَ لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَّةً لَأَحْتَرَقْتُ» چون پیامبر خدا به سدره المنتهی نائل شد، پس حجاب‌هایی رسید و آن گاه جبرئیل گفت: ای رسول خدا پیش رو سزوار نیست که من بر این جا گذر کنم و اگر یک بند انگشت نزدیک‌تر شوم خواهم سوخت...» (۱۵)

این حدیث به اشکال و صدور و تعبیرات مختلف در بحارالانوار، باب ۳۳ از جز ششم به تفصیل و تفسیر ذکر شده است. الحق شهریار برای بزرگانی چون سنایی، نظامی و مولانا در یاد کرد و توصیف از شخصیت اول جهان اسلام و پیامبر خاتم خلف صالحی است.

استاد شهریار در یادکرد از او صاف نبی اکرم (ص) در دیوانش، به واقعه شق القمر یا معجزه شق القمر اشاره می‌کند و با تعریض به

او در رؤیایی صادقانه پدرش را پس از مرگ می‌بیند و باز با ته‌سک به معراج و نور محمدی (ص) دیدار با پدرش در خواب را چنین به تصویر می‌کشد:

دیدم سر کوه رسته چون کاج
دستار سیادتش به سر تاج
چون نور محمدی ز معراج

نور محمدی، تعبیری است زیبا و شاعرانه که شهریار دلنوازی و رو‌شنایی بخشی پایین آمدن پدرش از سر کوه را به سرازیر شدن نور از وجود محمد (ص) در هنگام معراج تشبیه می‌کند.

شهریار در شعر زیبایی با عنوان «سقفونی کوهستان» که در دیوانش با عنوان «شب و کوه» هم نامیده شده است، به نورانیت جمال و ذات نبی اکرم، نزول قرآن که آن نوری در سینه پیامبر که گویی همیشه پیش چشم و در خاطر شهریار است، بدین سان شاعرانه و زیبا اشاره کرده و می‌گوید:

مصطفی دیده به غار حرا	به جمالی و جبینی غرا
در افق جلوه بام ملکوت	جبرئیل است و محمد
طاوسی دید بهشتی چون	میهوت
برق	افق غرب گرفته تا شرق
سر فرا گوش نبی داشت	خواندش اسرار سماوات
سروش	به گوش
باز بنمود بدو قرآن را	گفت در گوش دل آویز آن
تختی از نور برافراشته دید	را
رفت سلطان رسالت به	تاجی از ماه فراداشته دید
سریر	کرده اقلیم شفاعت تسخیر
دید روح و ملک از صفة	صف به صف سجده کنان
عرش	تا بر فرش
ملکش سر به شهادت خم	این همان سجده که با آدم
کرد	کرد
شب از این نادره‌ها دارد	روح، نامحرم و محروم
یاد	مباد

در این ابیات علاوه بر اینکه بر تشرّف نبی اکرم (ص) به ردای رسالت و نزول یک‌جای قرآن در سینه حضرت محمد و سجده جبرئیل بر وی به نشانه احترام و پیمان بستن اشاره کرده است، از پیامبر با اوصافی زیبا مثل: «سلطان رسالت» و «تسخیر کننده اقلیم شفاعت» یاد کرده است. هم خاتم انبیا و سلطنت بر انبیا و هم شفیع ملک و ملک و عالمیان بودنش که هر دو مورد در شان رسول اکرم (ص) بودند. چنانکه خداوند در سوره اسرا می‌فرماید: *بَا شَدَّ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبِّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا*؛ و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافله‌ای

کسانی که منکر شق القمر در طول تاریخ بوده‌اند، در بیتی چنین زیبا می‌گویند:

به رغم منکر شق القمر
ز زلف و رخکنم‌ها هم پدرم
تختلبدش کتبه‌یامرز
چون بال ملک عبای غزل افشان
حکیم سنایی دروازه‌چین هی فوملینش شود سرازیر
آن بنان کو میان چو ماه
کی دم از خامه سیاه زدی
زدی
کی شدی بار گیر خامه
ضرب کردی میان ماه
خام
تمام
(۱۷)

و در غزلی عارفانه با عنوان «فیض قدسی» که سلوک و معراجی به آسمان شاعران دارد، باز طایر خیال و وصف شهریار به سمت و سوی پیامبر و معراجش متمایل می‌شود و می‌گوید:

طایر شوقی به رویای	در هوای رفر معراج
شبانگاهی پر افشان	عرش کبریایی
کهکشانی از مکارم	هر جمالی در کمال دلبری
موکب شاهانه‌ی وی	و دلربایی
وزخدایان سخن با من چه	خواجه گاهی با نظامی
استقبال شایان	گاه سعدی با سنایی

چنانکه معلوم شد، اوصاف جمیل و افعال سراپا حکمت آمیز پیامبر خاتم (ص) همواره و در همه حال در خاطر شهریار بوده و به زیبایی هر چه تمام‌تر به وصف آن همه همت گماشته است. شهریار با همه ارادتی که به ائمه اطهار و انبیای صاحب کتاب دارد، تقریباً از اکثر پیامبران الهی که قرآن از آن‌ها یاد کرده رد پای در دیوان وی نیز هست، ولی برای معراج نبی اکرم (ص) اشعاری را با عشق و علاقه از ته دل می‌گوید:

به راه مسجد الاقصی	هنوزش قالب تن بود و
گرفت از کاروانی آب به	محتاج سقایت بود به
مسجد قالبش روحی و	معراجی بیچید آنچه مبدأ
عقلی و الهی شد فراز قبه	بود و غایت بود همان
کیهان اعظم چتر بال افشان	طاووس علین قدوسی
	روایت بود.

او که مطالعات عمیقی در باب قرآن و حدیث داشت، نیک می‌دانست که انبیا، نور واحدند و با علم به این نکته است که در شعر «پیام به انشتین» خطاب به وی می‌گوید:

انشتین پا فراتر نه جهان عقل هم طی کن
کنار هم بین موسی و عیسی و محمد را
کلید عشق را بردار و حل این معما کن
و گر شد از زبان علم این قفل کهن وا کن

باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. (اسرا/۷۹)
این آیه نشانگر مقامی است (مقام محمود) که پیامبر در آن برای
امتش شفاعت می‌کند.

مثنوی بسیار زیبا و دلنشین «میلاد مسعود ختمی مرتبت» مجالی
است فراخ برای شهریار تا بار دیگر در میدان اوصاف آن خاتم
پیامبران، این بار در خصوص قدم نهادنش به این جهان، اسب و
توسن سخن را به جولان درآورد و سخن از زمانی می‌گوید که
جهان شولای ظلمت بر سر کشیده بود و جهان عرب در منازعات
میان دو امپراطوری ایران و روم سرگردان بود و با تولد پیامبرخاتم،
صفحه‌ای بی‌بدیل از خلقت زمین و زمان رقم خورد و هستی رنگ
نشاط و شادمانی به خود گرفت.

شهریار در این شعر، پیامبر اکرم (ص) را مبدأ نور دیگر معصومان
و خلاصه آفرینش می‌خواند و در مثنوی با عنوان میلاد ختمی
مرتبت وی را با اوصافی از قبیل «دارنده نور همه انبیا»، «اوج
معراج کبریا»، «صاحب جسم خاکی و جانی از نور پاک»، «عقل
کل»، «اشرف انبیا»، «ختم رسل»، «مبدأ نور چهارده معصوم»،
«خاتم النبیین»، «صاحب دینی که در سش مکارم الاخلاق است»،
«رحمت عالمین» و «نور دو عین» یاد می‌کند و می‌گوید:

همه نور انبیا با اوست	اوج معراج کبریا با
جسمش از خاک و	اوست جاننش از نور
مکی و مدنی	پاک ذات غنی
زاد روز نبی ست، عقل	اشرف انبیا و ختم
کل	رسل

شهریار ضمن احترام به دیگر پیامبران، رسول اکرم را کامل‌ترین
آفرینش و سرور پیامبران بر می‌شمارد که چهارده معصوم، نور
خود را از برکت وجود او گرفته‌اند.

در اشعار ذکر شده شهریار با استفاده از تصاویر شاعرانه خود و
تلمیحات و رخدادهای مذهبی رسول اکرم (ص) ضمن زنده نگه
داشتن اسلام، یاد آور معراج پیامبر به صورت عاشقانه با آن رسول
اکرم تجدید بیعت می‌کند و با ذکر نام محمد (ص) و یاد یارانوی
جهت پیشبرد اهداف دین مبین اسلام صحه گذاشته و خوانندگان
را در پیروی از آن انسان کامل و تمام عیار تشویق و ترغیب
می‌نماید.

بررسی استقرایی شعر شهریار نمایان گر آن است که شاعر ثناگو و
ستایشگر حضرت محمد مصطفی (ص) هست و سخنوری توانا و
ماهر هست، متشعر و دین ورز بودن و دوری از زندگی درباری که
در زندگی برخی از شاعران پیش از آن چشم می‌خورد می‌تواند
وجه ممیز و از اختصاصات ویژه این شاعر برجسته اهل آذربایجان
باشد.

ستایش‌های شهریار از رسول اکرم (ص) بسامد بسیار بالایی از
منظومه فکری او را در کل دیوانش او را تشکیل می‌دهد تا جایی

که در اشعار هر جا فرصتی بدست آورده به ستایش حضرت
مصطفی (ص) پرداخته است.

از مجموعه سروده‌های شهریار چنین بر می‌آید که او خود را عاشق
حضرت رسول اکرم (ص) می‌داند و از اینکه عقاب تیز پرواز
اندیشه و شعر و هنر خود را در ستایش آن حضرت به کار
می‌گیرد، وظیفه مسلمانی خود می‌داند نهایت ادب و ارادت خود را
به قدوم مبارک حضرت رسول الله (ص) نثار کند.

اشارات قرآنی و اقوال و احادیث از دیگر افادات شهریار است و
بهره مندی او از علوم متعارف عصر خود به ویژه علوم اسلامی به
او این امکان را داده است تا از معراج حضرت رسول اکرم (ص)
نهایت استفاده را ببرد و با تصویرسازی‌های بکر و زیبای خود
هنرنمایی کند.

بیش‌ترین فضایل شخصیت نورانی پیامبر اسلام که شهریار بدان
توجه داشته عبارت‌اند از میلاد منور پیامبر، جنگ و جهاد و ایثار
در راه خدا و دین مبین اسلام توسل و آرزوی شفاعت معراج پیامبر
و عشق به اهل بیت نبوت (ع) است. این‌ها انگیزه‌ای بوده که
شهریار را ترغیب به سرودن کرده است.

امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)

«حضرت علی (ع) در روز جمعه سیزدهم رجب سال ۶۰۱ میلادی
در مکه مکرمه در کعبه (خانه خدا) پا به عرصه وجود نهاد.»
(۱۹)

امام علی (ع) سرشار از رشادت‌هایی می‌باشد که در راه اسلام
داشته است و در نهایت نیز به دلیل کینه‌توزی دشمنان اسلام در ۲۱
رمضان در محراب مسجد کوفه توسط ابن ملجم مرادی به شهادت
رسیدند.

با این حال هنر ایزاری برای ماندگار کردن فرهنگ‌ها است که در
این میان شعر از اهمیت ویژه برخوردار است و بدین روی است که
شعرای هر ملت و آیینی سعی بر این دارند که فرهنگ خود را در
قالب، شعر جاودانه سازند. تعالیم آسمانی بخاطر سازگاری با
فطرت انسانها جاذبه‌ی خاصی در بین طبقات مختلف جامعه‌ی
بشری، دارد اما دانشمندان و ادیبان جامعه برای تبیین آیات و
روایات گاهی آنها را به زبان اقشار مختلف جامعه و زبانهای
مختلف ترجمه می‌کنند یا به شعر در می‌آورند تا تأثیر گذاری آن
را افزون سازند. شاعران مسلمان در این میان فعالیت‌های مضاعف
کرده‌اند که مولوی حافظ، سعدی و شهریار از آن دست شاعران
هستند.

پرداختن به تعالیم و حیانی و احادیث معصومین (ع)، باطنی آراسته
می‌طلبد و داشتن ذوق شعری برای این امر کفایت نمی‌کند و بدین
خاطر است که مضامین عالی در اشعار نشانگر معرفت عالی
سراینده آن است شهریار نیز بدین دلیل که باطنی عاشق به کمال
دارد و مسیر عشق مجازی را به عشق حقیقی رسانده دامن علی (ع)
را می‌گیرد تا بدین وسیله به معشوق واقعی برسد و اگر مضامین

او به زیبایی هر چه تمام‌تر از استثنایی‌ترین شمشیر جهان اسلام که شرح اهدای آن از جانب نبی اکرم (ص) به رشیدترین فرمانده لشکرش، یعنی علی (ع)، در کتب تاریخی به تفصیل سخن رفته، اشاره کرده است و علی (ع) و ذوالفقار را از عوامل اساسی استقامت مسلمین در حفظ اسلام دانسته است. در ست در همان صفحه یعنی در سومین شعر از دیوان شهریار، شعری جلوه‌گری می‌کند که شاید نمایشی جامع و مانع از مجموعه صفات و زندگی ساده و خاکی علی (ع) در محدوده یک شعر است؛ یعنی شعر «مناجات» با مطلع «علی‌ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ما سوا فکندی همه سایه‌ها را»

شهریار علی را به همای سعادت تشبیه کرده که برای تمام ماسوی سایه افکنده است، «هما پرند است افسانه‌ای و در تاریخ ادبیات فارسی او را مظهر فرّ و شکوه می‌داند و به فال نیک می‌گیرند.» (۲۱) استاد شهریار با سحر کلامش علی را حجتی از خدا دانسته که این بیت اشاره‌ای است به حدیثی از پیامبر « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ جَاعِلٌ لِي مِنْ أُمَّتِي آخًا وَوَارِثًا وَخَلِيفَةً وَوَصِيًّا فَقُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هُوَ فَأَوْحَى إِلَيَّ عَزَّ وَجَلَّ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِكَ وَحِجَّتِي عَلَيْهَا بَعْدَكَ»

(۱۸)

در شعر زیر که سیمای حضرت علی (ع) در هاله‌ای از پرتو الوهیت جلوه گر می‌شود. شهریار، علی (ع) را پژواک حضرت حق تعالی می‌داند. علی از دیدگاه او به آینده‌ای می‌ماند که برای شناخت خدا باید در روی او نگریست:

علی‌ای همای رحمت تو چه	که به ماسوا فکندی همه
آیتی خدا را	سایه هما را
دل اگر خداشناسی همه در	به علی شناختم من به خدا
رخ علی بین	قسم خدا را
به خدا که در دو عالم اثر از	چو علی گرفته باشد سر
فنا نماند	چشمه بقا را

در اینجا هم گوید: علی واسطه‌ای است که چون ابر رحمت بر پیروانش می‌بارد تا آنان از دوزخ نجات یابند:

مگر ای سحاب رحمت تو	به شرار قهر سوزد همه جان
بباری ارنه دوزخ	ماسوا را
بروای گدای مسکین در خانه	که نگین پادشاهی دهد از
علی زن	کرم گدا را.

شهریار در این بیت سخاوت و بخشش حضرت علی را بیان می‌کند، چنانچه در قرآن مجید در این خصوص آمده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ وَلِيُّ أَمْرٍ وَيَأْوِرُ شِمَا تَنهَا خُدا وَرَسُولٌ وَمُؤْمِنَانِي خَوَاهِنْدُ بُوْدُ كَه نَمَاز بَه پَا دَاشْتَه وَ بَه فُقْرَا دَر حَال رُكُوع ز كَات

عالی در شعر شهریار دیده می‌شود، بدین خاطر است. در میان اشعار شهریار موارد متعددی است که از فرمایشات علی (ع) استفاده کرده و آنها را در قالب شعر درآورده است و از تضمین و تلمیح و... در این راستا استفاده کرده است.

درباره فضایل و شخصیت والای حضرت علی (ع) چندان نوشته و آن سان داد سخن داده‌اند که نیازی به بازخوانی و تکرار آن نیست؛ شاید اگر شعر شهریار ملک سخن در میان اذهان عارف و عامی، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، زن و مرد، شهره خاص و عام باشد، شعر معروف وی در وصف شیر مردان، مولای متقیان با مطلع «علی‌ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را/ که به ما سوا فکندی همه سایه‌ها را» باشد که در خصوص این شعر نه تنها مقالات و یادداشت‌ها و حتی کتاب‌های مجزایی هم نوشته‌اند و جدیدترین نمونه چاپ کتاب با محوریت این موضوع، کتاب «شهریار ما» نوشته حسین صبوری در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات صبوری در شهر قم می‌باشد که در آن کتاب کم حجم، ماجرای خواب مرحوم آیت الله مرعشی نجفی و شعرخوانی شهریار در کنار دیگر شاعران ماحد امیرالمؤمنین (ع) در محضر آن حضرت و روای صادقه، به تفصیل پرداخته شده است و در آن ماجرا، مرحوم آیت الله مرعشی نجفی پس از شرح خواب خویش به این جمله می‌رسند که: «گروهی دیگر از شعرای فارسی زبان وارد شدند و مؤدبانه در دو سوی دیگر مسجد به صف ایستادند. آن حضرت (ع)، تک‌تک آنها را نیز با نگاهی سرشار از محبت و لطف از زیر نظر گذراند، انگار که در بین آنها به دنبال کسی می‌گشت ولی وی را نیافت برای سومین بار رو کرد به دربان و این بار فرمود: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید.» (۲۰)

مدح محاسن حضرت علی (ع) در اشعار شهریار به کرات به چشم می‌خورد. او در اشعاری که در سبک‌های گوناگون سروده، همواره از قدرت سحر آمیز کلام بهره جسته است و از طریق مدح عصمت، علم، فضیلت، رشادت، سخاوت و معجزه امیرالمؤمنین با به نظم درآوردن حکایت‌های مربوط به وی، کلام نغز و نصیحت آن حضرت را در عناصر شعر خود انتخاب کرده و با اقتباس نمونه‌های بسیاری از نظره‌های درافشان، آنها را به زبان شعری درآورده است.

این متن را به اجمال آوردم تا باب مدخلی نیک باشد به ارادت قلبی شهریار به مولای متقیان و آنچه ارادت در دیوانش یافته‌ایم از او صافی که برای آن حضرت بیان کرده است. شهریار در آغازین بخش دیوان خویش، آنجا که شعر قیام محمد (ص) را در وصف نبی اکرم (ص) می‌سراید، در دو بیت آخر آن قصیده غرأ، از ذوالفقار علی (ع)، یادی می‌کند و می‌گوید:

به ذوالفقار علی دیدی	کنون به قامت قائم بین
استقامت اسلام	قوام محمد (ص)

می‌دهند» (مأئده/۵۵). به اتفاق مفسران مراد از این آیه علی علیه السلام می‌باشد.

بجز از علی که گوید به پسر
که قاتل من
بجز از علی که آرد پسری
ابوالعجائب
چو به دوست عهد بندد ز میان
پاکبازان
نه خدا توانمش خواند نه بشر
توانمش گفت
بدو چشم خون فشانم هلهای
نسیم رحمت
به امید آن که شاید برسد به
خاک پایت

از نظر استاد شهریار، علی بلاگردان و تغییردهنده پیشامدهای ناگوار عاشقان است که دعای مستمندان را مستجاب می‌کند:

چو تویی قضای گردن به دعای
که ز جان ما بگردان ره
مستمندان
آفت قضا را.

اشاره‌ای است به حدیث قدسی: «منم خدایی که جز من معبودی نیست، مخلوقات را با قدرت خود آفریدم از بین آنها پیامبران را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمد را به عنوان حبیبو خلیل وصفی انتخاب کردم آنگاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر، وصی و وزیر او قرار دادم تا بعد از، محمد پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آنها بیان نماید و حکم مرا در میان آنها اجرا کند. من علی را به عنوان نشانه و پرچمی هدایتگر از گمراهی قرار دادم، او دری است که مردم از آن در آیند، او خانه من است که هر که داخل شود از آتش دوزخ من در امان است او دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند.

و در این سه بیت آخر اشاره به سوز و گداز همیشگی خود به مولایش و آن را با بیٹی از حافظ که دوستدار علی بوده و نوای عشق علی را خوشتر می‌نوازد و شهریار که حافظ را استاد و مرشد خود می‌داند مزین ساخته و شعر مولا را غم دل خود به دوست نامیده و آن را چون نوای مرغی که در دل شب می‌خواند تشبیه کرده است:

چه زخم چونای هر دم ز نوای
که لسان غیب خوشتر بنوازد
شوق او دم
این نوا را به پیام آشنائی
بنوازد آشنا را غم دل به
همه شب در این امیدم که
نسیم صبحگاهی
دوست گفتن چه خوش است
شهریارا
ز نوای مرغ یا حق بشنو که
در دل شب

شهریار شعر پارسی، در این شعر ماندگار در وصف مولی الموحدين علی بن ابیطالب اوصافی زیبا بکار می‌برد، اوصافی که نشان از شناخت خوب شهریار از خصایص و خصایل امیرالمؤمنین دارد.

این اوصاف عبارتند از «همای رحمت»، «آیت خدا»، «فکننده سایه همایون بر ماسوا»، «شناساگر خدا»، «سحاب رحمت»، «کریم»، «پادشاه لافتی»، «وفادار»، «قضا گردان» با اشاره به بخشیدن انگشتری توسط علی (ع) به سائل و «اهل گذشت و مدار»، با اشاره به وصیت ماندگار علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در خصوص برخورد با ابن ملجم مرادی، این گونه که امام علیه‌السلام فرزندان خود را مخاطب ساخت و به آن‌ها فرمود: «یا بنی عبدالمطلب لایفینکم تخو ضون دماء الہ سلمین خو ضاً تقولون قتل امیرالمؤمنین! ألا لایقتلن بی إلا قاتلی، انظروا إذا أنا مت من ضربته هذه فأضربوه ضربته، لایمثل بالرجل فإنی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول إیاکم والمثله ولو بالکلب العقور؛ ای فرزندان عبدالمطلب! نیام شما را که در خون مسلمانان فرو روید و دست به کشتار بزنید به بهانه این که بگویید امیرالمؤمنین کشته شده و بدانید که در برابر من جز کشنده من کسی نباید کشته شود، نگاه کنید چون من از ضربت او از دنیا رفتم به او یک ضربت بزنید و او را مثله نکنید که من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «از مثله کردن پرهیزید اگر چه به سگ گزنده و هار باشد.» «آرنده پسری ابوالعجائب»، منظورش امام حسین (ع) است، «وفا کنده به عهد» و با همه این اوصافی که در وصف شهید محراب و عدالت، علی (ع) می‌آورد، در حیرتی ناشی از عجز توصیف «شه ملک لافتی» در شعرش می‌گوید:

نه خدا توانمش خواند، نه
بشر توانمش گفت
متحیرم چه نامم شه
ملک لافتی را

شهرت غزل «علی‌ای همای رحمت» در ستایش امام علی (علیه‌السلام) به حدی است که مثنوی زیبای «شب و علی» او در شهادت امام علی (ع)، آن چنان که باید و شاید مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این نسبت به طور عمومی بین همه غزل‌ها و مثنوی‌های شهریار وجود دارد. یعنی اعتبار و شهرت بالای شهریار در غزل باعث می‌شود، مثنوی‌ها حتی مثنوی‌های موفق او کم‌تر مورد توجه قرار بگیرند.

سرایش مثنوی «شب و علی» برمی‌گردد، به شب‌های قدر سال ۱۳۱۶ در تبریز. روایتی وجود دارد که مکاشفه شگرف مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی در مورد شهریار و مولا علی (علیه‌السلام)، نه در مورد غزل «علی‌ای همای رحمت» که درباره مثنوی «شب و علی» بوده است و البته این نکته از ابهامات شعر معاصر است. علی‌الحال بسیاری از شاعران بر این باورند که این مثنوی به مراتب از آن غزل قوی‌تر و زیباتر است. اگر چنین هم نباشد، باید گفت مثنوی «شب و علی» از بهترین شعرهای تاریخ ادبیات پارسی با موضوع امام علی ابن‌ابی‌طالب است. شعری که با همه گمنامی‌اش شاید چیزی کم از مثنوی شاهکار مولوی در

گویند که در سحرگاه ضربت خوردن گوشه لباس علی به در گیر کرد و شهریار با تعبیری شاعرانه می گوید که در و دیوار از شهادت علی آگاهی داشتند. زمین و زمان از او می خواستند که به مسجد نرود:

آن دم صبح قیامت تأثیر حلقه در شد از او دامن گیر
دست در دامن مولا زد در که علی بگذر و از ما مگذر
شال شه و آمد و دامن به گرو زینبش دست به دامن که مرو
شمال می بست و ندایی مبهم که کمربند شهادت محکم
پیشوایی که ز شوق دیدار می کند قاتل خود را بیدار
ماه محراب عبودیت حق سر به محراب عبادت منشق
می زند پس لب او کا سه شیر می کند چشم اشارت به اسیر
چه اسیری که همان قاتل تو خدایی مگر ای
اوست دشمن دوست

قصیده معروف مدحیه یا غدیریّه «ها علی بَشَرٌ كَيْفَ بَشَرٍ»
قصیده‌ای است به زبان عربی، که توسط ملا مهرعلی تبریزی
خوبی در مدح امام علی (ع) سروده شد. و شهریار هم در این
خصوص چنین می سراید:

در جهانی همه شور و همه شر «ها علی بَشَرٌ، کیف بشر»
کفن از گریه غسّال خجل پیرهن از رخ وصال خجل
شیروان، مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی
چنانکه ملاحظه می شود، شهریار با این تعابیر از علی (ع) و آن
شب دردناک یاد کرده است:

«شیر خدا»، «شاه عرب»، «انس و الفت دارنده با شب»، «کسی که
تنها شب از اسرارش آگاه است» که اشاره‌ای به شبگردی‌های
مخفیانه علی (ع) به اقصی نقاط کوفه و رسیدگی به یتیمان و
درماندگان آن در شب‌های تار دارد. «سرالله»، «مناجات کننده در
شب»، «مناجاتش جوشش چشمه ازلی است»، «شاه خرابه نشین»،
«قلعه بان افلاکیان ولی همنشین با خاکیان»، «گرینده در دل شب»،
«دردمند»، «سخنوری در ریز»، «شب زنده دار»، «روزه داری که
قوتش نان جوین است» و یاد آور آن آیه قرآن:

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا: و به پاس دوستی
خدا بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند.» (انسان / ۸)
اکثر مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت، این آیه و تعدادی دیگر
از آیات سوره انسان را در شأن عترت رسول خدا (ص)، یعنی علی
(ع)، فاطمه (س) و حسن (ع) و حسین (ع) دانسته‌اند و علاقمندان
می توانند به منابع معتبر و تفاسیر قرآن رجوع کنند.

شیخ طوسی گوید: مفسرین خاصه و عامه روایت کنند که این آیات
در باره علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل گردیده زیرا
آنان مسکین، یتیم و اسیر را در سه شب با افطار خود سیر کردند و
خود گرسنه ماندند. خداوند با این آیات آن‌ها را ستایش فرمود و
این سوره را به خاطر آن‌ها نازل گردانید.

ستایش مولای متقیان یعنی «از علی آموز اخلاص عمل» نداشته
باشد.

مثنوی «شب و علی» در حقیقت فصلی از منظومه «افسانه شب»
شهریار است. «افسانه شب» طولانی‌ترین و از زیباترین مثنوی‌های
شهریار است که شاعر در هر فصل آن به روایتی زیبا از شب
می پردازد. به جز فصل «شب و علی» از دیگر فصل‌های این منظومه
می توان به «هنرپیشه ماه»، «صحنه شب»، «سفنونی کوهستان»،
«خاطرات شب» و «شب و شاعر» اشاره کرد.

شاید بعد از شعر «همای رحمت» شعر بلند «شب و علی» بهترین
مجال برای سخنوری دینداری چون شهریار است که اسب بیان را
در میدان وصف امیرالمؤمنان به جولان در آورده و از شبی بگوید
که عالم و آدم، انس و جن، زمین و زمان در مظلومیت وی به غم
نشستند و حیف است، بدون آوردن متن این شعر زیبا، نکات مد
نظر خویش را درباره اوصاف مطرح شده از علی (ع) در این شعر
شهریار از سواد دیده و دل بر بیاض کاغذ آورم. بجاست که کل این
شعر جهت ذکر تعابیر به کار رفته به سماع و نظر خوانندگان
محترم این سطور برسد:

علی آن شیر خدا شاه عرب الفتی داشته با این دل شب

انس علی با شب به دلیل تنهایی او در جامعه آن روزها که با چاه
درد و دل می کرد.

شب ز اسرار علی آگاه دل شب محرم سرالله است
است گر چه او نیز به تاریکی
شب علی دید و به نزدیکی دید
دید

مناجات در شب، نشانه عبادت خالصانه و دور از ریا است:

شب شفته ست مناجات علی جوشش چشمه عشق ازلی
شاه را دیده به نوشینی خواب روی بر سینه دیوار خراب
قلعه بانی که به قصر افلاک سر دهد ناله زندانی خاک
اشک باری که چو شمع بیزار می فشاند زر و می گیرد زار
درمندی که چو لب بگشاید در و دیوار به زنهار آید
کلماتی چو در آویزه گوش مسجد کوفه هنوزش
فجر تا سینه آفاق شکافت مدهوش
روزه داری که به مهر اسحار چشم بیدار علی خفته
ناشناسی که به تاریکی شب نیافت
پادشاهی که به شب برقع پوش بشکند نان جوین در افطار
تا نشد پردگی آن سرجلی می برد شام یتیمان عرب
شاهبازی که به بال و پر راز می کشد بار گدایان بر
شهسواری که به برق شمشیر دوش
عشقبازی که هم آغوش خطر نشد افشا که علی بود علی
در دل شب بشکافت دل شیر می کند در ابدیت پرواز
خفت در خوابگاه پیغمبر.

و در ادامه شعر از تعابیر و توصیفاتی چون: «ناشناسی در شب که حامی یتیمان است»، «پادشاهی برقع پوش که بار گدایان به دوش می‌کشد»، «سَرَجَلِی»، «شاهبازی که در ابدیت پرواز کرد»، «عشقبازی که هم آغوش خطر شد» و اشاره به خوابیدن در بستر رسول اکرم (ص) دارد که در تاریخ اسلام از آن به «لِیْلَةُ الْمِیْتِ» یاد شده است و آیه «وَمَنْ النَّاسِ مِنْ یَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ و برخی از مردم کسانی هستند که جان خود را برای تحصیل رضای خداوند از دست می‌دهند و خداوند به بندگان خود رؤوف و مهربان است.» (بقره/۲۰۷)

مرحوم شیخ طوسی در کتاب جامع الامالی به ذکر مقدمات وقایع این شب به این مورد می‌رسد که: «در شب اول ماه ربیع الاول پیامبر (ص) برای آنکه مشرکان از هجرت او آگاه نشوند، به علی(ع) فرمود: «مشرکان می‌خواهند امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در بستر من می‌خوابی تا من به غار ثور بروم؟» امام علی(ع) گفت: «در این صورت شما سالم می‌مانید؟» پیامبر(ص) فرمود: «آری.» علی(ع) تبسمی کرد و سجده شکر به جای آورد، وقتی که سر از سجده برداشت، عرض کرد: «آنچه را که مأمور شده‌ای انجام ده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد. سپس پیامبر (ص)، علی(ع) را در آغوش گرفت و هر دو گریه کردند و از هم جدا شدند.

وقتی علی(ع) در بستر پیامبر (ص) خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای او آمدند و جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون توای فرزند ابوطالب که خدا در برابر فرشتگان به تو مباحثات می‌کند.» (۱۶)

و در ادامه با اشاره به اینکه علی(ع) از قبل، از واقعه شهادتش در محراب مسجد خبرداد بود و آرزوی لحظه دیدار پیامبر (ص) و فرشتگان مقدسش را می‌کشید و با اشتیاق به مسجدی می‌رفت که ابن ملجم مرادی آنجا برای ضربت زدن بر فرق مبارک وی بیتوته کرده بود.

می‌کند قاتل خود را بیدار.

و سپس این تعابیر را درباره علی(ع) به کار می‌برد «ماه محراب عبودیت حق» و با اعجابی از مقام معنوی مولای متقیان می‌گوید:
در جهانی همه شور و همه
ها علی بشر کیف بشر
شر

شهریار در غزلی با عنوان «عید غدیر، مولای متقیان» با نگاهی زیبا و شاعرانه به واقعه «غدیر»، مولای متقیان را با اوصافی از قبیل «سرو»، «رهبر» و «ساقی کوثر» با احترامی خالصانه یاد می‌کند و در بیتی که اشاره به دهکده جهانی بودن هستی در عصر حاضر اشاره دارد، می‌گوید:

کنون دنیا به جز یک
مملکت نیست
به یک در جز یکی داور
نباشد.

مردمان را به رعایت از قانون آسمانی، یعنی قرآن فرامی‌خواند و می‌گوید:

به جز قرآن کتاب آسمانی
چه قانونی کز آن برتر
نباشد
و با تمسک به این سخنان از لزوم رعایت حق علی(ع) و اولادش یاد می‌کند و این چنین از نایب برحق نبی اکرم (ص) در روز غدیر سخن می‌راند:

چه جای سر اگر سرور
نجنبد دست و پا تا سر
نباشد
خدا راهی نمود و هرگز
که رهرو باشد و رهبر
نباشد
شراب عاشقان در ساغری
که جز با ساقی کوثر
ریخت
نباشد

اگر سر می‌کشی جام
خمار دیگرگرت در سر
شهادت
که دریا را چنین گوهر
شهریارا
نباشد
بشوی اوراق اگر همدرس
که علم عشق در دفتر
مای
نباشد

صفحاتی از دیوان وزین استاد شهریار، مزین است به دو شعر کوتاه؛ اما بسیار دلنشین با عنوان «یا علی» که به نوعی استمداد همت‌های معنوی شهریار از مولای عالمیان است. مولایی که مهرش با گوشت، پوست و استخوان شهریار عجین است و چون خونی در رگ جان و اشعارش، جاری و ساری است و چه زیبا با مولای متقیان سخن می‌گوید و او را با اوصافی چون: «جلوه جلال و جمال خدا»، «جمالی از ابدیت»، «آبگینه ابدیت»، «ناصر انبیا»، «مظهر العجایب»، «خبیر گشا» که اشارتی شاعرانه و زیبا به واقعه تاریخی از صدر اسلام با عنوان جنگ خیبر که کنستانتین و برژیل گئورگیو در کتاب کم نظیر و محققانه خود با عنوان «محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت» در خصوص این واقعه تاریخی به تفصیل سخن می‌راند و در بخشی از آن می‌نویسد: «وقتی آخرین قلعه «خبیر» به دست مسلمین افتاد، محمد (ص) تازه از بیماری برخاسته بود و در حضور مسلمین علی(ع) را دربرگرفت و بوسید و گفت یا علی تو (اسدالله) هستی یعنی شیر خدا می‌باشی و این عنوان برای علی (فاتح خیبر) باقی می‌ماند.» (۱۴)

«جام خضر»، «چشمه آب بقا»، «شفیع» و «دستگیر مردم بی‌دست و پا» که بهتر است این اوصاف را از زبان خود شهریار بشنویم:

ای جلوه جلال و جمال خدا
وز هر چه جز خدا به
علی
جلالت جدا علی‌ای
در تو جمالی از ابدیت
آبگینه ابدیت نما، علی
نموده‌اند
یا انبیا به سر و علان نصرت
یا مظهرالعجایب یا
قضاست
مرضی علی
لولاک در فتوت تو
فیاض در فضیلت تو گفته
«لافتی» علی

به
 یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی
 ابی انت و امی
 از گشایش در کارها و غم هایش در اثر نام بردن و یادکرد
 امیرالمؤمنین علی (ع) می گوید و او را با این تعابیر توصیف می کند:
 «مباهات کننده به مرگ»، یادآور جمله معروف آن حضرت که
 فرمود: «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»، «قبلة حاجات»، «جلوة با وجه اتم
 خدا در انسان»، «کم و کیف جهان»، «بهین مظهر انسان»، «آدم
 کامل»، «شیر خدا»، «صخرة صمّا و اصم».
 گویا هیچ نه همی به دلم بوده، نه
 بایبانت و امی
 غمی
 تو که از مرگ و حیات، این همه
 فخری و مباهات
 گویی آن دزد شقی تیغ نیالوده به
 سمی
 گویی آن فاجعه دشت بلا هیچ
 نبوده است
 سینه هیچ شهیدی نخراشیده به
 سمی
 حق اگر جلوه با وجه اتم کرده
 در انسان
 به خود حق که تو آن جلوه با
 وجه اتمی
 منکر عید غدیر خم و آن خطبه و
 تنزیل
 با کر و کور چه عیدی و چه
 غدیری و چه خمی
 در تو لگا هم اگر سهو ولایت! چه
 سفاقت
 لازمه ورود به حوزه علم فقه، دوستی با علی است.
 بی ولای علی و آل، چه فقهی
 بایبانت و امی
 و چه شمی
 از ثری تا به ثریا
 تو کم و کیف جهانی و به
 بایبانت و امی
 کمبود تو دنیا
 گر به معنای اعم است
 شر و شور است و دگر هیچ نه
 بایبانت و امی
 کیفی و نه کمی
 پس به ذریه آدم
 آدمی جامع جمعیت و موجود
 بایبانت و امی
 اتم است
 تو بهین مظهر انسان و به
 معنای اعمی
 چون بود آدم کامل غرض از
 خلقت عالم
 جز شما مهد نبوت نبود چیز
 مهمی

«هل آتی»
 باز آن یهود بسته در
 قلعه های قدس
 ظلمات شد میان تو و
 تشنگان حجاب
 چشمم به سوی سردر
 دارالشفای توست
 از شهریار پیر زمین گیر
 دست گیر
 و درست در ادامه همین شعر، شعری دیگر با همان عنوان «یا علی»
 می آورد. با این اوصاف از علی (ع): «دستگیر مستمندان»، «ای درت
 دارالشفای دردمندان» با لحنی دردناک که گویی از ریای ریاکاران
 در لباس دین و شیخ های قلابی به ستوه آمده است، سخن می گوید و
 چه حسرت بار با مولای متقیان درددل می کند:
 مستمند بسته زنجیر و
 زندان یا علی
 بندی زندان روباها نام ای شیر
 خدا
 آهن تفتیده ام کز کوره
 آرندم برون
 دوستان گریان به گورستان
 و پیش چشمشان
 من نه ایوبم ولی صبرم به
 محنت بیش از اوست
 قلعه ای کو قائل لاسیف الا
 ذوالفقار
 شیخ خود، قلابی و دین را
 تمسخر می کند
 حیف تشریف تو کز پستی و
 کوتاهی قد
 صید کفاریم و چون تازی
 دوان دنبال اسب
 سرزد از ما معصیت هایی که
 نپسندد خدای
 تا سخن گفتم به حق، حق
 حیاتم خود نماند
 دردمندی روسیاهم با
 شفاعت مستحق
 دستگیر ای دستگیر
 مستمندان یا علی
 می جویم زنجیر زندان را
 به زندان یا علی
 تا بسایندم میان پتک و
 سندان یا علی
 دشمنان چون استخوان
 کله خندان یا علی
 من نه یوسف لیک زندانم
 دو چندان یا علی
 قلدران می بینند و غداره
 بندان یا علی
 وین تمسخر مایه تفریح
 زندان یا علی
 شرمساریم از رخ بالا
 بلندان یا علی
 وز سوار کفر و دین سر
 در کمندان یا علی
 وین جهنم خود جزای
 خودپسندان یا علی
 وین سزای هر سخنگوی
 سخندان یا علی
 ای درت دارالشفای
 دردمندان یا علی.

و جالب تر اینکه همین شاعر در آ شنا که این سان با مولای متقیان
 درد دل می کرده است، در شعر زیبایی «هدیه عید غدیر» که با مطلع:

شهریار در عشق ولایت، فردی متعصب بود:

عاشق توست که مستوجب
منکرت مستحق ذم
مدح است و معظّم
بایبانت و امی
وز تو بیگانه نیرزد نه به
شده بازیچه شیطان
مدحی و نه ذمی
بایبانت و امی
بی توای شیر خدا سبوحه و
همه طوفان همه دریا
دستار مسلمان
بایبانت و امی
این چه بوزینه که سرها همه
هم بدو کفر سرافشان
را بسته به ذمی
بایبانت و امی
لشکر کفر اگر موج زند در
همه دنیا
چه کند با تو که چون صخره
صمّا و
یا علی خواهمت آن شعشعه
تیغ زرافشان
بایدم این لَمعان دیده، ندانم به
چه لَمی

و پایان بخش این مقال، بیانات مولاست در مجلس خلیفه ثانی در حضور اغلب شخصیت‌های صدر اسلام از موافق و معاند که شهریار آن را با مطلع:
اگر سنجند هر سهمی در
هر آن کو سهمگین تر،
اسلام
حصه من

که شهریار در این شعر مفاخره مانند، صفاتی را از زبان مولای متقیان درباره او به کار می‌برد و از قول مولای متقیان خطاب به خلیفه ثانی و مجلسیان آن زمان این اوصاف را یاد می‌کند:

هر آن نسبت که موسی را
همان نسبت محمد راست
به هارون
با من

این حدیث، معروف به حدیث منزلت جایگاه حضرت علی (ع) را نسبت به رسول اکرم (ص)، همانند جایگاه هارون نسبت به حضرت موسی معرفی می‌کند. حدیث منزلت یکی از احادیث معروف و مشهور نبوی هست که نزد عالمان شیعه و سنی مورد قبول واقع شده است. که علمای شیعه این حدیث را برای اثبات جانشینی حضرت علی (ع) میدانند و برتری وی را نسبت دیگر خلفا می‌دانند. حدیث منزلت در مناسبت‌های مختلف از پیامبر (ص) شنیده شده که مهم‌ترین آن‌ها در جنگ تبوک است. مشهورترین نقل این حدیث آن است که پیامبر اکرم (ص) خطاب به علی (ع) فرمود: «أنت منی بمنزله هارون من موسی، الا أنه لانی بعدی؛ تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود.» (۱۸)

و این شعر شهریار هم به این موضوع اذعان دارد:

یکی از بهترین آفرینش هنری استاد در قطعه‌ای به نام «علی و دنیا» هست که در بین اشعارش اثری ماندگار می‌باشد. علاوه بر معانی و

مضامین حکمی و اخلاقی از لحاظ ادبی و جایگاه شعر به بهترین صورت سروده شده و علی (ع) را به فردی سترگ قلم ساحری، سفینه دل، غزل قیس عامری، ستاره‌ای درخشان، شاهدی یکتا، اندیشمند و فادار، مبارز، متقی، مردی اجتماعی، یل جوان و زیبا مانند کرده و تخیل بزرگ خودش را در عرصه‌های وسیع و بلند حکایت می‌کند:

علی (ع) به باغ فدک، بیل چنان که چوب شبا نان،
زارعان بر دوش عصاست با موسا
هوا تفییده دهن روزه، کار ولی چه حمله بی جا به کوه
مردافکن پا برجا
عرق به طرف جبین شده‌های که موج ریخته باشد به ساحل
مروارید دریا

در حین کار سخت با زبان روزه و گرمای سوزان تابستان در باغ فدک، زنی از آن جا عبور می‌کند آری آن زن «دنیا» بود که در شکل زنی زیبا رو به علی (ع) تجلی کرده بود تا ایمان امام را بشکند:

چه دید؟ فتنه فتنانه ایست
شکسته طرف نقاب و
شهر آشوب
گسسته بند قبا
به شیوه چون قلم سحر
به غمزه چون غزل قیس
سامری فتنه
عامری غوغا
به بنت عامره ماند، که در
ستاره‌ای است درخشان و
بلاد عرب
شاهدی یکتا

شهریار زن را در حدی می‌بیند که می‌تواند رخنه‌ای در دین پدید آورد:

چه رخنه بود به ارکان
فرشتگان همه برداشتند
دین که در ملکوت
دست دعا.

علی با رشادت‌هایی که در جنگ‌ها کرده بود، این بار با دیو نفس روبرو می‌شود؛ اما از طریق الهامات غیبی سیرت زشت زن را درمی‌یابد:

علی سفینه دل، سخت در
تلاطم دید ولی سکینه غیبی؛ رسید و
گفت: بپا
بلی، سفینه نوح و نجات
که باز یافت سکونت، به
امت بود عرشه اعلا چروک
علی به چشم خدا خیره
سیرت زشتش؛ به صورت
شده دختر و یافت زیبا برو برو؛ که تو با
بین چه گفت؟ که ابقا به کس نمی‌کنی ابقا
هیچ نکته نکرد برو؛ تو که من بفضل خدا، سیرم
گرسنه چشمان کور دل از جمال شما بدان قدر؛
بفریب که رضا داده کارگاه قضا

تخیل بزرگ مرحوم شهریار حکایت می‌کنند: شجر الخلد، غزل قیس عامری، سکینه غیبی، سفینه دل، قلم سحر ساحری.

نتیجه گیری

فراخوانی شخصیت‌های دینی و هنری و ادبی از جمله مسائل مهمی است که مورد توجه شهریار بوده و بازتاب گسترده‌ای در اشعارش داشته است. شهریار، در پی آن بوده تا از این رهگذر بتواند اهداف خود را بیان داشته و تجربه‌های نوین شعریش را به تصویر بکشد. همچنین شهریار از رهگذر شخصیت‌های گذشته به بیان آراء و اندیشه‌های خود در مسائل متعدد می‌پردازد و برای بهتر به تصویر کشیدن اندیشه خود، گاه شخصیت سنتی را از طریق اسم لقب و کنیه مورد خطاب قرار می‌دهد و گاه گفتار این شخصیت را به نحوی در متن شعر خود بیان می‌کند و در برخی مواقع نیز رفتار و عملکرد وی را به تصویر می‌کشد و حتی گاه برای تأثیر گذاری هر چه بیشتر، نقاب شخصیت سنتی را بر چهره خود می‌زند و از زبان وی سخن می‌گوید. البته در موارد متعددی شهریار برای رسیدن به آنچه که مقصود وی بوده، متناسب با اندیشه و قدرت شعری، خود به دخل و تصرف در رفتار و گفتار این شخصیت‌ها می‌پردازد. شهریار به این، میراث گاه به عنوان نماد عظمت و عزت و گاه برای درس گرفتن از تکرار تاریخ در بستر زمان می‌نگرد؛ زیرا در موارد بسیاری، رویکرد شهریار به میراث و بیان مطلوب خود از طریق آن برخاسته از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است.

آنچه از مطالعه مقاله پیش‌رو عاید خوانندگان شعر پژوه و شهریار دوست میشود مواردی است که راقم این سطور طی مطالعات همه جانبه پیرامون دیوان پر و پیمان مرحوم شهریار در خصوص چهره های مذهبی تاریخی در زیر موضوعات مرتبط با نام و احوالشان و سپس ذکر یادکردهایی که شهریار به این بزرگان چه دیدگاهی داشته به همراه استخراج خلاصه ای از نظر های آن مرحوم درباره ی هر کدامشان می توان دریافت.

References

The Holy Quran

1. Aiti, Mohammad Ibrahim, 1366, History of the Prophet of Islam, Tehran University Press, 4th edition
2. Akbarpour, Habibullah, 1383, Judgments and Miracles of Amirul Momineen Ali (AS), Publication A, National Library of Iran.
3. Hafez, Shamsuddin Mohammad, 1385, Diwan Hafez edited by Ghani, Qazvin, Qaqnoos Publishing House, 4th edition, Tehran

من از جهان شما؛ جمله
قانعم به کفاف من از جهان
به همین قوت قانعم، آری
از این گذشته، جهان خوان
لاشخواران است من از
جهان تو؛ یک گوشه
خواهم و آنهم گرفتم آن
جهان را؛ همه به من دادی
چگونه کام علی (ع) را؛ روا
توانی ساخت کدام عهد تو
بستی، که باز نشکستی؟!
مگر نه پادشهان را
و پهلوانان را مگر نه خاتم
پیغمبران محمد (ص)؛ مرد
دهان گرگ اجل را؛ کجا
توانی بست؟ هوای آتش
شوقم؛ به عالم دگر است
چنین رباط سپنجی؛ کجا
سزای من است؟ بدین جهان
فنا؛ می‌توان تجارت کرد
مگر کنند به اسعار آخرت
تبدیل

کجا رسد همه دنیا، به
یک تن تنها
به میهمانی کرکس،
نمی‌رود عنقا پی مبادله؛ با
زاد و توشه عقبا
مگر نه سیر و مسیر
جهان بود؛ به فنا جهان
نساخته هیچ آفریده
کامروا کدام عاشق بیدل،
که از تو دید وفا به زیر
خاک و گل و تخته
سنگ؛ دادی جا که
بود سر گل اولاد آدم و
حوا مگر ندوخته چشم
حریص، گور به ما
به آب و خاک خسیسان؛
چه جای نشوونما سرای
سرمدیم ده؛ که آن
مراسم سزا تجارتی که
بود سود آن؛ جهان بقا
وگر نه نقد جهان؛ قصه
بود و باد هوا

حضرت خود چنین می‌فرماید: «دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ» دنیای شما نزد من، از آب بینی بز کم ارزش تر است»
و حضرت علی با استمداد از خداوند با ذکر بی‌وفایی‌های دنیا، شرافت و مردانگی خودش را چنانچه شهریار گوید:

برو به دور، که دنیا به پیش
چشم علی حریف باخته تا
رفت دور خود پیچید
عوارض از بزک و زرق و
برق‌ها همه ریخت خدا به
دور چه غفرت بد هیولایی
چنان که؛ گیسو و پستان و
چشم مصنوعی است مظاهر
حق و باطل؛ جدا شوند از
هم
دوباره بیل علی (ع) شد بلند و
می دانی برو به کار خود ای
دون که در دیار علی

این شعر استاد شهریار از لحاظ ادبی و مرتبه شعری در درجه والایی قرار دارد؛ چون هریک از ترکیبات زیر از قدرت شاعری و

16. Forozanfar, Badi al-Zaman, 1363, Masnavi Hadiths, Amir Kabir Publications, Tehran
17. Kilini, Mohammad Ibn Yaqub Ishaq, 1407 AH, Al-Kafi, Volume 8, Darul-Kutb-e-Islamiya, 4th edition, Tehran
18. Majlisi, Mohammad Baqir, Marah al-Aqool, 1404 (H), Darul Kitab al-Islamiya, volume 2, Tehran
19. Maulvi, Jalaluddin Mohammad bin Mohammad, 1378, Masnavi Manavi, fourth book
20. Moin, Mohammad, 1379, Farhang Farsi, vol. 2, 5, 6, 15th edition, Amir Kabir Publishing House, Tehran
21. Virgil Georkenstan, 1346 A.H., Muhammad (PBUH) is a prophet who must be known anew, translated by Zabihullah Mansouri, Amir Kabir Publishing House, Tehran.
4. Dekhoda, Ali Akbar, 1364, Dekhoda dictionary, Seyyed Jafar Shahidi under the supervision of Dr. Moin, Dekhoda dictionary organization
5. Saadi, Mosleh bin Abdullah, 2013, Adina Sabz Publications, Al-Hadi Edition, third edition, first part
6. Sanai, Abu al-Majd Majdod bin Adam Sanai Ghaznavi, 1368, Hadiqa al-Haqiqah, chapter 3, Sokhon Publications
7. Sur Abadi Atiq Neishabouri, Abu Bakr, 1380, Commentary on Sur Abadi, Farhang Nash New Publications, first edition
8. Seyyed Razi, Abul Hasan Mohammad Bin Al Hussein, 1383, Nahj al-Balagheh, translated by Mohammad Dashti, Hadi Publishing House, Tehran.
9. Shahryar, Mohammad Hossein, 1397, Divan of Poems, Negah Publications, 12th edition, Tehran
10. Shahryar, Mohammad Hossein, 1378, Shahryar's collections of Turkish poems (with the addition of Heydar Babaye Salam), Negah Publishing House, Tehran, 14th edition
11. Sabouri, Hossein, 1381, Shahriar Ma, Sabouri Publications, first edition
12. Sadouq, Abu Jafar Mohammad Bin Ali, 1362, Amali, Sheikh Sadouq by Ayatollah Kamreai, Islamic Library, Tehran
13. Tusi, Mohammadin Hassan, 1441 AH, Al-Amali, Dar al-Thaqafa Lal-Tabaa, Qom
14. Alizadeh, Jamshid, 1374, in this simplicity and beauty (memoir of professor Seyyed Mohammad Shahriar), publishing center, first edition, Tehran
15. Ali Mohammadi, 2017, Persian and Turkish Diwan's Dictionary by Professor Mohammad Hossein Shahryar, Aydin Publications (Yanar), Book 1 and 2